



دفتر نشر و مکتوب‌های مجلس شورای اسلامی
درآموزه‌ها و مسائل

نقش رزق طیب در شکل‌گیری حیات طیب

متین رهمزانی^۱

تاریخ دریافت ۹۶/۱۱/۲۴

تاریخ پذیرش ۹۷/۱۲/۱۵

صص ۲۹-۹

چکیده

قرآن کریم در ۴۶ آیه و ۵۰ بار از واژه طیب استفاده کرده است. در این آیات واژه طیب در موضوعات مختلف و گاهی به صورت مشتقات مختلفی بکار رفته است. به نظر می‌رسد که این تعداد فراوانی از یک واژه نمی‌تواند بدون ارتباط با یکدیگر باشند. بیشترین موضوعی که واژه طیب در آن دیده می‌شود موضوع رزق است. رزق در فرهنگ قرآن و روایات به معنای تأمین‌کننده حیات است و بسته به نوع حیات جنس رزق نیز متفاوت است. به عبارت دیگر حیات از جانب خداوند به همه موجودات داده شده است بنابراین در تداوم آن نیازمند اسبابی هستند. مطلق اسبابی که موجودند و به تبع آن انسان، برای ادامه حیات به آنها محتاج است به نام رزق شناخته می‌شوند.

حیات طیب نیز از عبارات مهم و کلیدی قرآن است که در این زمینه مفسران و عالمان بسیاری به بحث و تحقیق پرداخته‌اند.

^۱ کارشناسی ارشد علوم قرآن @matin_ramezani@yahoo.com



دفتر نشر و مکتوب‌های مجلس شورای اسلامی
مؤسسه پژوهشی و انتشاراتی

در این مقاله سعی شده‌است تا به نقش رزق طیب در به تحقق پیوستن حیات طیبه تأکید کند و رزق طیب را به عنوان یکی از عوامل مؤثر در شکل‌گیری حیات طیبه قلمداد نماید.

کلید واژه‌ها: قرآن، طیب، رزق، حیات طیبه

مقدمه

در جریان رشد و هدایت انسان یکی از موضوعات اساسی موضوع طیب است. در معرفی طیب، بیان شده‌است که طیب به عنوان قابلیت همراهی با فطرت و مطلوب با حقیقت است، بر این اساس می‌توان پایه‌ای‌ترین مفهوم در فرایند رشد انسان را تحقق معنای طیب و پاک شدن از مفاهیم مقابل آن دانست. به عبارت دیگر مفهوم طیب، اولین مفهومی است که با انسان نازل می‌شود و هدایتش در گرو آن است.

بنابراین در قرآن مشاهده می‌شود که در موضوعات مختلفی واژه طیب بکار رفته است و طیب بودن آنها به این معناست که همگی با ساختار هستی هماهنگ و در یک راستا می‌باشند و در نهایت این انسان است که باید بتواند خود را همسو با آن سازد و از این نظام هماهنگ بهره ببرد.

به همین دلیل در سوره مبارکه اعراف که می‌توان آن را با نام ملکوت شناخت وقتی از هبوط انسان صحبت می‌کند این موضوع را با «بلد طیب» مرتبط می‌نماید.

همچنین در این سوره از «طیبات در رزق» سخن گفته و آن را به عنوان ضرورت زندگی مادی و معنوی انسان معرفی می‌کند.



دفتر نشر و مکتوب‌های مجلس شورای اسلامی
در آموزه‌های قرآنی

قرآن انسانی را که در فرایند طیب قرار می‌گیرد به «طیبات» و «طیبین» خطاب کرده است، نیز اعتقادات پاک او را به عنوان «کلمه طیبه» شناخته است، همچنین خداوند حاکمیت طیبات در نظام انسانی را به درختی که اصل آن ثابت و فرعش در آسمان و پر محصول است تشبیه کرده است.

بر این اساس فرایند و ساختار طیب در انسان با بلد طیب و رزق طیب گره خورده و در یک راستا قرار می‌گیرد.

همچنین برای رسیدن به نتیجه، اعتقاد باید به عمل هم کشیده شود که این با «قول طیب» در ارتباط است و در صورت حاکمیت طیبات در زندگی انسان به «حیات طیبه» که غایت زندگی اوست، دست می‌یابد. این مقاله به بررسی موضوع رزق طیب به عنوان یکی از موضوعات مهم برای دستیابی به حیات طیبه می‌پردازد.

معنای رزق طیب و ارکان آن

خداوند همان‌طور که انسان‌ها را به زیباترین وجهی خلق کرده است آنها را برای استمرار حیاتشان از طیبات روزی فرموده است.

«اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ قَرَارًا وَ السَّمَاءَ بِنَاءً وَ صَوَّرَكُمُ فَأَحْسَنَ صُورَتَكُمْ وَ رَزَقَكُم مِّنَ
الطَّيِّبَاتِ ذَلِكَمُ اللَّهُ رَبُّكُمُ فَتَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ» (غافر / ۶۴)

خداوند کسی است که زمین را برای شما جایگاه امن و آرامش قرار داد و آسمان را همچون سقفی (بالای سرتان)؛ و شما را صورتگری کرد، و صورتتان را نیکو آفرید؛ و از چیزهایی پاکیزه به شما روزی داد؛ این است خداوند پروردگار شما! جاوید و پربرکت است خداوندی که پروردگار عالمیان است!



دفتر مطالعات و پژوهش‌ها در آموزه‌ها و آداب عزت

از آنجایی که انسان با توجه به توان گزینشی که خداوند به او عطا کرده است می‌تواند خود را از رحمت خدا محروم نماید و باب خیر را بر روی خود مسدود ساخته، نعمت‌های الهی را به نعمت تبدیل کند و رزق الهی را که سراسر خیر و رحمت و نعمت است با انواع آلودگی‌های خود هدر داده و موجبات خسران خود را فراهم نماید.

بر اساس آیه فوق به رزقی که برای انسان بهره‌مندی از خیر و رحمت و نعمت حقیقی را فراهم می‌سازد «رزق طیب» گفته می‌شود. چنین رزقی در راستای نظام فطری انسان باعث دریافت‌های معنوی در او می‌شود.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَ اشْكُرُوا لِلَّهِ إِنَّ كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ»
(بقره/۱۷۲)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید از پاکیزه‌ها هر چه که ما روزیتان کرده‌ایم بخورید و شکر خدا بگزارید اگر تنها او را می‌پرستید.

بنابراین رزق طیب، به مجموعه دریافت‌های آسمانی انسان گفته می‌شود که به واسطه آن زندگی طیب برای انسان حاصل می‌شود و حقایق طیب برای او آشکار شده، به حیات طیبه سوق می‌یابد. با توجه به کارکرد حقیقی رزق که رساندن خیر و رحمت و نعمت به انسان است، می‌توان ارکان رزق طیب را به صورت زیر معرفی نمود:

۱. رازق: تنها خداوند متعال است و غیر او در شأنی نیست که بتواند حیات‌آفرینی کند.
۲. مرزوق: بخشی از طیبات موهبتی و بخشی اکتسابی و در اثر فعالیت‌های از روی اختیار است.



دوفصلنامه پژوهشی در آموخته‌ها و ادیان سنت

۳. رزق: عامل حیات که بنا به جنس حیات ارزش و کیفیت آنها متفاوت خواهد بود.
۴. شکر: راه دریافت رزق، رسیدن انسان به مقام شکر است. شکر اتصالی با مبدأ غیب (چون رزق از آسمان است) و برخورداری از علم و توان اوست.
۵. حیات طیبه: نهایت دریافت رزق برخورداری از حیات طیبه در دنیا و آخرت است. بر این اساس رزق برای انسان دائمی است. زیرا رزق ناظر به عامل تداوم حیات و طیب بودنش ناظر به حیات طیبه‌ای است که می‌دمد.

مراتب رزق طیب

به دلیل آنکه زندگی انسان دارای ابعاد متعدد است، تداوم حیات فردی و اجتماعی آن نیز از ابعاد مختلفی قابل بحث است، با توجه به این ابعاد می‌توان مراتب رزق طیب را معرفی نمود:

۱. طعام

طعام به خوردنی‌های مادی یا غیر مادی که در آن ذائقه و گرایش فرد هم در نظر گرفته می‌شود، گفته می‌شود. عینی‌ترین مرتبه حیات؛ یعنی حیات مادی به واسطه طعام تداوم پیدا می‌کند، زیرا به واسطه ذائقه و گرایش در افراد انگیزه جستجو برای انواع غذا فراهم شده و نیازهای طبیعی مادی و معنوی برطرف می‌شود. ملائکه به دلیل نداشتن ذائقه از داشتن طعام بی‌نیاز هستند.

«...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرَّوْحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ،... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ الَّذِينَ اخْتَصَصْتَهُمْ لِنَفْسِكَ وَ اُغْنِيَتْهُمْ عَنِ الطَّعَامِ وَ الشَّرَابِ بِتَقْدِيرِكَ...» (امام سجاد علیه السلام ۱۳۷۵ ش، دعای سوم)

پس صلوات بفرست بر ایشان و بر ملائکه که گروه‌های مختلف ملائکه را به خود اختصاص دادی و آنها را از طعام و شراب بی‌نیاز ساختی و تقدیس را عین زندگی آنها را قرار دادی.



دفتر نشر و مکتوب‌های مجلس شورای اسلامی

منشأ همه طعام‌های مادی و معنوی که برای انسان در نظر گرفته شده و به عنوان طعام‌های حلال از طریق دین به او ابلاغ شده از آسمان و مرتبه قدسی است.

«وَ ظَلَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْغَمَامَ وَ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّ وَ السَّلْوَى كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَ مَا ظَلَمُونَا وَ لَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ» (بقره/۵۷)

و بر شما ابر را سایه‌گستر کردیم و بر شما «من» و «سلوی» فرو فرستادیم [و گفتیم: «از خوراکی‌های پاکیزه‌ای که به شما روزی داده‌ایم، بخورید.» [ولی آنان] بر ما ستم نکردند بلکه بر خویشتن ستم روا می‌داشتند.

رعایت آداب طعام و مراعات حلال بودن و طیب بودن آن از موارد مهمی است که نقش محوری در زندگی انسان دارد و تمام زندگی او را از شغل گرفته تا روابط با دیگران تحت تأثیر قرار می‌دهد.

«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ رَحِمَ اللَّهُ الْمُتَخَلِّلِينَ مِنْ أُمَّتِي فِي الْوُضُوءِ وَ الطَّعَامِ.» (طبرسی، ۱۴۱۲، ص

۱۵۳)

خداوند رحمت کند کسانی که به آداب وضو و طعام پایبند هستند.

طعام مادی به دلیل گرایش با طبیعت و غرایز می‌یابد به سرعت امکان انحراف پیدا می‌کند و از ناحیه بدخوری و پرخوری دچار خدشه می‌شود (ر.ک: قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۲۱۶) و آسیب‌های فراوانی را به جسم و روان انسان وارد می‌کند. به همین دلیل در قرآن و روایات دستور اکل همراه با پرهیز اکید از اسراف ذکر شده است که لازم است فرد از هرگونه امری که موجب خارج شدن تعادل جسمی و روانی در این زمینه است خودداری کند.



دوفصلنامه پژوهشی در آموزه‌های قرآنی

و از آنجا که در هر شهری نوعی از طعام به عنوان غذا انتخاب می‌شود این غذاها نوعاً با نیازهای اقلیمی آنها همراستا بود (ر.ک: قرطبی، ۱۴۰۵، ج ۱۶، ص ۱۶۲-۱۶۳) و موجب تعادل افراد با اقلیم خود می‌شود. همچنین در هر خانواده‌ای طعام مخصوصی مطلوب و مطبوع است که ممکن است در خانواده دیگر این مطلوبیت و مطبوعیت وجود نداشته باشد. همچنین هر فردی با طعامی ارتباط برقرار می‌کند و مزاج هر فرد نسبت به غذاهایی سازگاری بیشتری از خود نشان می‌دهد. این موضوع هم در بعد جسمی مطرح است و هم در بعد روانی.

به هر تقدیر بنا به تعریف رزق طیب، طعامی طیب است که بتواند فرد با حقایق غیبی اتصال دهد و زمینه رشد معنوی فرد را به وجود آورد. نیز طعامی طیب است که صرف اکل و تمتع و سرگرم شدن به حیات دنیایی نباشد. در این مرتبه طعام طیب نه تنها بعد مادی احتیاج انسان بلکه بعد معنوی آن را نیز تأمین می‌کند. (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۲۵۵)

در این راستا علاوه بر استفاده از طعام‌های طیب بر نوع استفاده از آنها در جهت افزایش توانمندی ارتباط انسان با غیب نیز تأکید می‌شود.

«كَانَ أَبُو الْحَسَنِ الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا أَكَلَ آتَى بِصَحْفَةٍ فَنَوَّضِعُ بِقُرْبِ مَائِدَتِهِ فَيَعْمِدُ إِلَيَّ أَطِيبَ الطَّعَامِ مِمَّا يُؤْتَى بِهِ فَيَأْخُذُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ شَيْئاً فَيَضَعُ فِي تِلْكَ الصَّحْفَةِ ثُمَّ يَأْمُرُ بِهَا لِلْمَسَاكِينِ ثُمَّ يَتَلَوُ هَذِهِ آيَةَ- فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ ثُمَّ يَقُولُ عَلِمَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنَّهُ لَيْسَ كُلُّ إِنْسَانٍ يَقْدِرُ عَلَى عِتْقِ رَقَبَةٍ فَجَعَلَ لَهُمُ السَّبِيلَ إِلَى الْجَنَّةِ.» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۵۲)

موقعی که ابوالحسن الرضا علیه السلام بر سر خوان غذا می‌نشست، سینی بزرگی در کنار او می‌نهادند و آن سرور از بهترین خوراک‌هایی که در برابر او می‌نهادند، از هر خوراکی سهمی برمی‌داشت و در سینی می‌نهاد و می‌فرمود تا برای مساکین ببرند. ابوالحسن این آیه را زمزمه می‌کرد: «از گردنه



دوستان عزیزان! در آموزه «لا اِلهَ اِلاَّ اللهُ»

نجات بالا نرفته است و چه دانی که گردنه نجات کدام است؟ آزاد کردن بنده‌ها یا خوراک پختن در روز سختی: برای یتیم خویشاوندی یا مسکین خاک‌نشین» و سپس می‌گفت: خداوند- عزو- جل- می‌دانست که هر کسی را امکان و توان نیست که برده آزاد کند تا از گردنه نجات به سوی بهشت روان گردد لذا اطعام یتیمان و خاک‌نشینان را در ردیف آزاد کردن بردگان به شمار آورد.

بر این اساس در این مرتبه از رزق، کم بودن ظاهری و افزون بودن زمینه‌های دریافت‌های غیبی در رزق مهم تلقی می‌شود.

«...خُلِقْتُ لِيشَعْلَنِي أَكْلُ الطَّيِّبَاتِ كَالْبَهِيمَةِ الْمَرْبُوطَةِ هَمُّهَا عَلْفُهَا أَوْ الْمَرْسَلَةِ شُعْلُهَا تَقْمُمُهَا تَكْتَرِشُ مِنْ أَعْلَافِهَا وَ تَلْهُو عَمَّا يُرَادُ بِهَا أَوْ أُتْرِكَ سُدَى أَوْ أَهْمَلْ عَابِئاً أَوْ أُجْرَّ حَبْلَ الضَّلَالَةِ أَوْ أُعْتَسِفَ طَرِيقَ الْمَتَاهَةِ وَ كَأَنِّي بِقَائِلِكُمْ يَقُولُ إِذَا كَانَ هَذَا قُوتُ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ فَقَدْ قَعَدَ بِهِ الضَّعْفُ عَنِ الْقِتَالِ الْأَقْرَانِ وَ مُنَازَلَةِ الشُّجْعَانِ أَلَا وَ إِنَّ الشَّجَرَةَ الْبُرِّيَّةَ أَصْلَبُ عُوْدًا وَ الرُّوَاتِعَ الْخَضِرَةَ أَرْقُ جُلُودًا وَ النَّابِتَاتِ الْعِذْيَةَ أَقْوَى وَ قُوْدًا وَ أَبْطَأَ خُمُودًا.» (شریف الرضی، ۱۴۱۴، ص ۴۱۹)

پس مرا نیافریده‌اند که خوردن طعام‌های نیکو (از نیکبختی جاوید) بازم دارد مانند چهارپای بسته شده که اندیشه‌اش علف آن است، یا مانند چهارپای رهاگشته که خاکروبه‌ها را بهم زند تا چیزی یافته بخورد، پر می‌کند شکمبه را از علفی که به دست آورده و غفلت دارد از آنچه برایش در نظر دارند (نمی‌داند که صاحبش می‌خواهد فربه شود تا به کشتارگاهش فرستد یا برایش بارکشی نموده کارش را انجام دهد) یا مرا نیافریده‌اند که بیکار مانده و بیهوده رها شوم، یا ریسمان گمراهی را کشیده بی‌اندیشه در راه سرگردانی رهسپار گردم و چنان است که می‌بینم گوینده‌ای از شما می‌گوید: اگر این است خوراک پسر ابوطالب پس ضعف و سستی او را از جنگ با همسران و معارضة و برابری با دلیران بازمی‌دارد؟! بدانید درخت بیابانی (که آب کم به آن می‌رسد) چوبش



دوفصلنامه پژوهش‌های علمی (آموزه‌ها و ادیان سنت)

سخت‌تر (استوارتر) است و درخت‌های سبز و خرم (که در باغ‌های پر آب کاشته شده) پوستشان نازک‌تر است و گیاه‌های دشتی (که جز آب باران آب دیگری نیابند) شعله آتش آنها افروخته‌تر و خاموشی آنها دیرتر است (آری انسان هر قدر کمتر بخورد و بیاشامد اندامش استوارتر و در کارزار دلیرتر است و هر قدر بیشتر بخورد و بیاشامد نازک پوست و سست دل و ترسناک‌تر است).

توجه به انواع غذاها و حلال و طیب بودن آنها، نیز نحوه استفاده از غذاها و نقش غذا در تربیت جسم و روان از موضوعات مهمی است که باعث بهره‌مندی هر چه بیشتر انسان از حیات مادی می‌شود و زمینه بهره‌مندی از حیات معنوی را ایجاد می‌کند به همین دلیل در سوره مبارکه عبس از ملائکه نزول‌دهنده وحی سخن می‌گوید و آنها بزرگوارانی بخشاینده و بسیار نیکی‌دهنده معرفی می‌کند که وحی را برای انسان جاری می‌کنند، نیز از گیاهانی نام می‌برد که رزقی آسمانی می‌نوشند و غذایی جسمانی را در اختیار انسان قرار می‌دهند تا در اثر تناول این متاع که مشابه متاع حیوانات است به قرب الهی و قدرت فهم کتب آسمانی نایل شود.

۲. مال

دارایی‌هایی که انسان از راه صحیح و مطابق با حق بدست می‌آورد، از مصادیق رزق محسوب می‌شود.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ وَلَسْتُمْ بِآخِذِيهِ إِلَّا أَنْ تُغْمِضُوا فِيهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ» (بقره/۲۶۷)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از قسمت‌های پاکیزه اموالی که (از طریق تجارت) به دست آورده‌اید، و از آنچه از زمین برای شما خارج ساخته‌ایم (از منابع و معادن و درختان و گیاهان)،



دوفصلنامه پژوهش‌های علمی در آموزه‌های قرآن و حدیث

انفاق کنید! و برای انفاق، به سراغ قسمتهای ناپاک نروید در حالی که خود شما، (به هنگام پذیرش اموال)، حاضر نیستید آنها را بپذیرید؛ مگر از روی اغماض و کراهت! و بدانید خداوند، بی‌نیاز و شایسته ستایش است.

خدای تعالی در این آیه کیفیت مالی را که انفاق می‌شود بیان نموده و می‌فرماید: باید از اموال طیب باشد، نه خبیث، یعنی مالی باشد که فقیر به رغبت آن را بگیرد نه به کراهت و اغماض، برای اینکه کسی که نخواهد با بذل مال طیب، خویشترن را به صفت بخشنده متصف سازد، و بخواهد مال خبیث خود را از سر باز کند، و زندگی خود را از چنین آلودگیها رها سازد، چنین کسی دوستدار کار نیک نمی‌شود، و چنین انفاقی نفس او را به کمالی نمی‌رساند. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۶۰۴)

۳. علم

تداوم وجود مادی و غیرمادی انسان و جامعه‌ی او، وابسته به علم است و بدون آن شریان اصلی حیات قطع می‌شود. بر همین اساس یکی از مصادیق رزق در نظام انسانی علم است که مرتبه‌ای بالاتر از طعام دارد، زیرا باعث ارتقای درجات معنوی انسان می‌شود.

انسان آنچه به عنوان ذخیره علمی در طول زندگی به دست می‌آورد در صورتی که روشنایی راه و هدایت در مسیر زندگی به او عطا کند، طیب است، نیز به میزان این روشنی بخشی از درجات بالاتری از طیب بودن برخوردار است.

در ذیل آیه «و لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَ حَمَلْنَاهُمْ فِي الْوَبْرِ وَ الْبَحْرِ- وَ رَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ- وَ فَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (اسراء/۷۰)؛ و ما فرزندان آدم را بسیار گرامی داشتیم و آنان



دو فصلنامه پژوهشی «پژوهش‌های فلسفی» و «پژوهش‌های حقوقی» در آسمون ماه رمضان سنه ۱۴۳۳

را بر مرکب‌های آبی و صحرائی سوار کردیم و از هر غذای لذیذ و پاکیزه روزیشان کردیم و بر بسیاری از مخلوقات خود برتریشان دادیم، آن هم چه برتری؟

تفسیر قمی در ادامه این آیه شریفه روایتی آورده است که متن آن چنین است:

«عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: إِنَّ اللَّهَ لَا يُكْرِمُ رُوحَ كَافِرٍ - وَ لَكِنْ يُكْرِمُ أَرْوَاحَ الْمُؤْمِنِينَ - وَ إِنَّمَا كَرَامَةُ النَّفْسِ وَ الدَّمِ بِالرُّوحِ - وَ الرِّزْقُ الطَّيِّبُ هُوَ الْعِلْمُ.» (قمی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۲۲)

خداوند روح کافر را تکریم نکرده است و لکن ارواح مؤمنین را تکریم کرده است و قطعاً کرامت نفس و خون با روح است و رزق طیب همان علم است.

رزق بودن علم، نیز مرتبه بالاتر آن نسبت به غذا امری بدیهی است به همین دلیل از توصیه‌های مؤکد دینی به حساب می‌آید.

«عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ع قَالَ كَانَ فِيمَا وَعَظَ لِقَمَانُ ابْنَهُ أَنْ قَالَ لَهُ يَا بَنِيَّ اجْعَلْ فِي أَيَّامِكَ وَ لِيَالِيكَ وَ سَاعَاتِكَ نَصِيباً لَكَ فِي طَلَبِ الْعِلْمِ فَإِنَّكَ لَنْ تَجِدَ لَهُ تَضْيِيعاً مِثْلَ تَرْكِهِ» (مفید، ۱۴۱۳، ص ۲۹۳)

از جمله اندرزهای لقمان به پسرش این بود: پسر جانم! در روزها و شب‌ها و ساعات خود بهره‌ای برای طلب علم قرار ده، زیرا که تو هیچ گونه تباهی‌ای برای عمرت همانند تباهی ترک علم نمی‌یابی.

علم در قرآن و روایات با کلمات متعددی آمده است که اولاً نشان‌دهنده عظمت آن و ثانیاً تنوع آن در ساختار وجودی انسان است. به همین دلیل برای شناخت انواع علم و ضرورت هر یک، نیز راه‌های وصول به هر کدام به مطالعات گسترده نیاز است.



دفتر مطبوعاتی مجلس شورای اسلامی
درآموزه‌ها و آراء و مقالات

علمی که برای صلاح و اصلاح به کار نمی‌رود هر چند از جهاتی از حقیقت حظ و بهره دارد ولی برای انسان طیب نیست.

۴. شریعت و حکم

از آنجایی که هیچ شأنی از شئونات زندگی انسان از حکم خدا خالی نیست، حکم خداوند به استفاده از طیبیات و استفاده نکردن از خبیثات نیز توسط رسول و ولی الهی به انسان‌ها ابلاغ می‌شود. در واقع حکم خداوند که توسط ولی ابلاغ می‌شود تنظیم‌کننده رابطه انسان‌ها با طیبیات و خبیثات است.

جریان یافتن طیب که به واسطه این حلال‌ها و حرام‌ها ممکن و محقق می‌شود در سوره مبارکه اعراف آیه ۱۵۷ بیان شده است.

در تفسیر نور الثقلین نیز در ذیل این آیه در شناخت امام و دریافت حکم از ایشان و تبعات عدم تبعیت از ایشان این طور آمده است:

«عن أبي عبد الله عليه السلام حديث طويل يقول فيه عليه السلام: ... ثم قال: «يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ» يعنى النبى ﷺ و الوصى و القائم يأمرهم بالمعروف إذا قام و ينهاهم عن المنكر و المنكر من أنكر فضل الامام عليه السلام و جحدده و يحل لهم الطيبات أخذ العلم من اهله و يحرم عليهم الخبائث و الخبائث قول من خالف و يضع عنهم إصرهم و هى الذنوب التى كانوا فيها قبل معرفتهم فضل الامام عليه السلام و الأغلال التى كانت عليهم و الأغلال: ما كانوا يقولون مما لم يكونوا أمروا به من ترك فضل الامام عليه السلام فلما عرفوا فضل الامام وضع عنهم إصرهم و الإصر: الذنب و هى الأصار ثم نسبهم فقال: «الذين آمنوا به» يعنى بالإمام «و عَزَّوْهُ وَ نَصَرُوْهُ وَ اتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِى أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ



دو فصلنامه پژوهشی «بیت» و «آموزه‌ها و قرآن و سنت»

هُمُ الْمُفْلِحُونَ» یعنی الذین اجتنبوا الجبّ و الطاغوت ان یعبدوها و الجبّ و الطاغوت فلان و فلان و فلان و العبادة طاعة الناس لهم.» (عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۸۳)

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ» یعنی نبی صلی الله علیه و آله و وصی و قائم «یأمرهم بالمعروف» هنگامی که به پا می‌خیزند و «ینهاهم عن المنکر» و منکر آن است که کسی فضیلت امام علیه السلام را انکار کند و با او دشمنی کند و «یحل لهم الطیبات» یعنی علم از اهلش اخذ کند و «یحرم علیهم الخبائث» و خبائث، قول کسی است که خلاف علم است و «یضع عنهم إصرهم» و آن گناهی است که قبل از شناخت فضیلت امام گرفتارش بودند و اغلالی را که در آن بودند از ایشان برمی‌دارد و «الأغلال» آن چیزی که آنها می‌گفتند از آنچه دستور نداشتند به ترک فضل امام علیه السلام پس گفت «الذین آمنوا به» یعنی به امام «و عَزَّوَهُ وَ نَصَرُوهُ وَ اتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» یعنی کسانی که اجتناب کردند از اطاعت جبّ و طاغوت.

طیباتی که حکم خداوند به استفاده از آنها تعلق می‌گیرد «حلال» و خبائثی که حکم خداوند به عدم استفاده از آنهاست «حرام» است. تحلیل طیبات و تحریم خبائث به عنوان ابزار جریان‌سازی طیب هستند.

رابطه میان حلال و حرام با طیب و خبیث متناسب با مراتب طیبات از اهمیت و دقت متفاوتی برخوردار است.

۵. نزول رزق در قالب روابط

یکی از عنایات ویژه خداوند به انسان زندگی اجتماعی اوست. به واسطه چنین زندگی امکان بروز صفات ربوبی در او فراهم شده است.



وَفَصَلْنَا بَرَكَاتِنَا فِيهِ فِي رُحْمَةِ الْوَالِدِ الْأَوْفَى

«عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ رَفِيقٌ يُحِبُّ الرَّفْقَ وَيُعْطِي عَلَى الرَّفْقِ مَا لَا يُعْطَى عَلَى

الْعُنْفِ». (كلینی، پیشین، ج ۲، ص ۱۱۹)

خدای عزوجل ملایم است و ملایمت را دوست دارد و عطایمی که به ملایمت می‌دهد به خشونت و سختگیری نمی‌دهد.

لذا انسان به واسطه مسیری که می‌تواند در زندگی پیش گیرد می‌تواند از خصایلی برخوردار شود که منشأ بروز پاکی در حیات فردی و اجتماعی باشد. خداوند مؤمنین را به چنین حالتی توصیف کرده و وجود آنها را عین صدور پاکی‌ها برمی‌شمرد.

«قَالَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ الصَّادِقُ عليه السلام: مَنْ رَزَقَ مِنْ أَرْبَعَةِ خِصَالٍ وَاحِدًا دَخَلَ الْجَنَّةَ بِرِ الْوَالِدَيْنِ أَوْ

صِلَةِ الرَّحِمِ أَوْ حُسْنِ الْجَوَارِ أَوْ حُسْنِ الْخُلُقِ» (شعیری، بی تا، ص ۱۰۶)

هر کس از این چهار خصلت به او روزی شده باشد در بهشت وارد می‌شود: برّ به والدین، صله رحم، حسن همسایگی، حسن خلق.

این موضوع منجر می‌شود تا انسان همجواری با اولیا و انبیا را تجربه و از مواهب این همنشینی بهره‌مند شود. خداوند در آیات متعددی از قرآن کریم این بشارت را به مؤمنین به شیوه‌های مختلف بیان کرده است:

«وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَ

الصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا» (نساء/۶۹)

و کسانی که از خدا و پیامبر اطاعت کنند، در زمره کسانی خواهند بود که خدا ایشان را گرامی داشته [یعنی] با پیامبران و راستان و شهیدان و شایستگانند و آنان چه نیکو همدانند.



دوستان! پژوهشگران در آموزه‌های قرآن و حدیث

با توجه به آیات و روایات در نتیجه ارتباطات درست و تعاملات بر مبنای حق، انسان به مقام طیبیت نایل می‌شود و بدین ترتیب او را می‌توان به عنوان طیب خطاب کرد. در این صورت به نسبت پاکی‌اش با سایر افراد طیب مرتبط شده و رزق یکدیگر می‌شوند.

«الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ أُولَئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ» (نور/۲۶)

زنان ناپاک از آن مردان ناپاکند، و مردان ناپاک نیز به زنان ناپاک تعلق دارند؛ و زنان پاک از آن مردان پاک، و مردان پاک از آن زنان پاکند! اینان از نسبتهای ناروایی که (ناپاکان) به آنان می‌دهند مبرا هستند؛ و برای آنان آمرزش (الهی) و روزی پرارزشی است!

با توجه به آیه فوق روشن می‌شود که بزرگ‌ترین ویژگی‌ای که خداوند برای طیبین و طیبات مطرح کرده است عبارتند از:

۱. دور بودن ایشان از خبائث‌های ظاهری و باطنی و حتی نسبت‌های خبائث آلود
۲. برخورداری از مغفرت الهی
۳. برخورداری از رزق کریم

محبتی که خداوند بین مؤمنین به واسطه ایمانشان قرار می‌دهد رزقی است که با هیچ چیز دیگر قابل مقایسه نیست، چنین حبی موجب شفاعت و ارتقای درجات ایمانی آنها می‌شود، همچنین آنها می‌توانند با این محبت نواقص علمی و معنوی یکدیگر را جبران نمایند.

۶. فرزند و نسل طیب

یکی دیگر از مصادیق رزق در آیات قرآن کریم، ذریه طیبه است.



دوفصلنامه پژوهش‌های علمی در آموزه‌های قرآن و حدیث

«هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ» (آل عمران/۳۸)

در آنجا بود که زکریا، (با مشاهده آن همه شایستگی در مریم)، پروردگار خویش را خواند و عرض کرد: «خداوند! از طرف خود، فرزند پاکیزه‌ای (نیز) به من عطا فرما، که تو دعا را می‌شنوی!»

طیب هر چیزی، آن فردی است که برای چیز دیگر سازگار و در برآمدن حاجت آن دخیل و مؤثر باشد، مثلاً شهر طیب آن شهری است که برای زندگی اهلس سازگار، و دارای آب و هوایی ملایم، و رزقی پاکیزه باشد و کار و کسب و سایر خواسته‌ها برای اهلس هم فراهم باشد که خدای تعالی در باره چنین شهری می‌فرماید: «وَ الْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرُجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ» (اعراف/۵۸)؛ شهر پاکیزه رویدنیهایش به اذن پروردگارش می‌روید.

همچنین عیش طیب، و حیات طیب، آن عیش و حیاتی است که ابعاض و شؤون مختلفش با هم سازگار باشد، بطوری که دل صاحب آن عیش به زندگی گرم و بدون نگرانی باشد، و یکی از مشتقات کلمه "طیب" بر وزن سیب است که به معنای عطر پاکیزه است، پس ذریه طیبه آن فرزند صالحی است که مثلاً صفات و افعالش با آرزویی که پدرش از یک فرزند داشت مطابق باشد. (طباطبایی، پیشین، ج ۳، ص ۲۷۴) *پرتال جامع علوم انسانی*

۷. ثمرات و نتایج

یکی دیگر از مراتب رزق طیب، دستیابی به نتایج و ثمرات طیب است همانطور که در آیات زیر بدان اشاره شده است:

۱. رسیدن به طیب و خوشی به عنوان پاداش



دوفصلنامه پژوهش‌های قرآنی در آسموزه‌ها و دوران سنت

«الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَى لَهُمْ وَحَسُنَ مَا أَجْرُهُمْ» (رعد/۲۹)

آنها که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، پاکیزه‌ترین (زندگی) و بهترین سرانجام‌ها نصیبشان است.

در آیه مورد بحث، کسانی را که ایمان به خدا آورده و عمل صالح می‌کنند و در نتیجه با یاد خدا دارای اطمینان قلب دائمی می‌شوند، به رسیدن به زندگی و عیشی طیب و سرانجام نیک بشارت می‌دهد.

۲. سلامت و امنیت از جانب ملائکه قبض ارواح و راهنمایی به بهشت

«الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ اِذْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ» (نحل/۳۲)

همانها که فرشتگان (مرگ) روحشان را می‌گیرند در حالی که پاک و پاکیزه‌اند؛ به آنها می‌گویند: «سلام بر شما! وارد بهشت شوید به خاطر اعمالی که انجام می‌دادید!»

برخورداری از پاداش‌های ویژه مخصوص بندگان ویژه است یعنی پاداش و نتایج طیب برای طیبین است که این ارتباط دو طرفه در آیه فوق بیان شده است. ایشان حتی در هنگام قبض روح هم از سلام و تحیت برخوردار هستند.

در تفسیر المیزان می‌خوانیم که در این آیه، سه موضوع مطرح است: ۱- طیب و پاکیزه بودن ۲- سلامت و امنیت از هر نظر ۳- راهنمایی به بهشت. این سه موهبتی است که در آیه ۸۲ سوره انعام نظیر آن را می‌خوانیم «الَّذِينَ آمَنُوا وَ لَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَ هُمْ مُهْتَدُونَ»؛ آنها که ایمان آوردند و ایمان خود را با ظلم و ستمی نیالودند، امنیت برای آنها است، و هدایت می‌شوند.



دُفَعْلَانَا بِرُحْمَتِكُمْ يَا بَدِيَّةُ الرَّسُولِ فِي رَأْسِ مَوْزَةٍ لَا وَرَانَ مَسْت

معنای طیب بودن متقین، در حال توفی و مرگ، خلوص آنان از خبث ظلم است، در مقابل مستکبرین، که ایشان را به ظلم در حال مرگ توصیف کرده، و فرموده: «الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنفُسِهِمْ» (نحل/۲۸) (طباطبایی، پیشین، ج ۱۱، ص ۴۸۸-۴۸۹)

۳. سوق دادن متقین به بهشت به صورت گروه‌گروه، سلام ملائکه و خوشامدگویی آنها

«وَسِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا حَتَّىٰ إِذَا جَاؤُهَا وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ» (زمر/۷۳)

و کسانی که از پروردگارش پروا داشته‌اند، گروه‌گروه به سوی بهشت سوق داده شوند، تا چون بدان رسند و درهای آن [به رویشان] گشوده شود و نگهبانان آن به ایشان گویند: سلام بر شما، خوش آمدید، در آن درآید [و] جاودانه [بمانید].

در این آیه نیز پاداش طیب بودن مؤمنین، سلام ملائکه به ایشان و ورود به بهشت است و جز آنچه مایه خوشی ایشان است نخواهند دید. (طباطبایی، پیشین، ج ۱۷، ص ۴۵۱)

۴. وعده خدا به مؤمنین و استقرار در بهشت و مسکن‌های طیب

«وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» (توبه/۷۲)

خداوند به مردان و زنان باایمان، باغهایی از بهشت وعده داده که نهرها از زیر درختانش جاری است؛ جاودانه در آن خواهند ماند؛ و مسکن‌های پاکیزه‌ای در بهشتهای جاودان (نصیب آنها ساخته)؛ و (خشنودی و) رضای خدا، (از همه اینها) برتر است؛ و پیروزی بزرگ، همین است!



دو فصلنامه پژوهشی «بیت» و «آزموده» در دوران مسندت

«يَعْفِرُ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَيُدْخِلْكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ ذَلِكَ

الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» (صف/۱۲)

(اگر چنین کنید) گناهانتان را می‌بخشد و شما را در باغهایی از بهشت داخل می‌کند که نه‌رها از زیر درختانش جاری است و در مسکنهای پاکیزه در بهشت جاویدان جای می‌دهد؛ و این پیروزی عظیم است!

در این آیات خداوند پاداش مؤمنین و مؤمنات را غفران ذنوب و داخل شدن در بهشت و استقرار در مسکن‌های طیب بیان می‌کند.

نتیجه

رزقی که برای انسان بهره‌مندی از خیر و رحمت و نعمت حقیقی را فراهم می‌سازد «رزق طیب» گفته می‌شود. چنین رزقی در راستای نظام فطری انسان باعث دریافت‌های معنوی در او می‌شود. بنابراین رزق طیب، به مجموعه دریافت‌های آسمانی انسان گفته می‌شود که به واسطه آن زندگی طیب برای انسان حاصل می‌شود و حقایق طیب برای او آشکار شده، به حیات طیبیه سوق می‌یابد. طعام، مال، علم، شریعت و حکم، روابط، فرزند و نسل، ثمرات و نتایج را می‌توان به عنوان مراتب رزق طیب در نظر گرفت.

به عبارت دیگر ثمره اصلی استفاده از طیب، تداوم و ارتقا بهره‌مندی انسان از حیات آخرتی است که از آن به حیات طیبیه یاد می‌شود. ثمره استفاده از طیبیات را هم در بُعد جسمی و هم در بُعد روحی وجود انسان می‌توان مشاهده نمود.



دوفصلنامه پژوهش‌های قرآنی در آموزه‌های قرآن و حدیث

در حقیقت تجلی بهره‌مندی انسان از حیات طیبه، در ابعاد و مراتب مختلف وجود انسان از طیب ولادت تا نهایت آن که بهشت است، ظهور می‌یابد.

منابع

- قرآن کریم
- امام سجاد (علیه السلام)، الصحیفه السجادیه، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، سروش، ۱۳۷۵ ش.
- امام صادق (علیه السلام)، مصباح الشریعه، ترجمه حسن مصطفوی، تهران، انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۶۰ ش.
- ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق) (م ۳۸۱ق)، الخصال، ترجمه فهری، تهران، علمیه اسلامی، بی تا.
- بحرانی، هاشم بن سلیمان (قرن ۱۱)، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ ق.
- برقی، احمد بن محمد بن خالد (م ۲۷۴ ق یا ۲۸۰ ق)، المحاسن، قم، دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۷۱ ق.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، بیروت، دار العلم، ۱۴۱۰ ق.
- جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی قرآن کریم، ج ۱، تهران، رجاء، ۱۳۷۵ ش.
- حرّانی، ابومحمد، تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ ق.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت- دمشق، دار القلم- دار الشامیه، ۱۴۱۲ ق.
- شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، تحقیق صبحی صالح، قم، هجرت، ۱۴۱۴ ق.
- شعیری، محمد بن محمد (م ۶ق)، جامع الأخبار (لشعیری)، نجف، مطبعه حیدریه، بی تا.
- شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹ ق.
- طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ ش.
- طبرسی، حسن بن فضل (قرن ۶)، مکارم الأخلاق، قم، الشریف الرضی، ۱۴۱۲ ق.
- عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه (قرن ۱۲)، تفسیر نور الثقلین، قم، انتشارات اسماعیلیان، ۱۴۱۵ ق.
- قرشی بنایی، علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۱۲ ق.
- قرطبی، محمد بن احمد (م ۶۷۱ ق)، الجامع لاحکام القرآن، بیروت، مؤسسه التاریخ العربی، ۱۴۰۵ ق.
- قمی، علی بن ابراهیم (قرن ۳)، تفسیر القمی، قم، دار الکتب، چاپ سوم، ۱۳۶۳ ش.
- قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا (قرن ۱۲)، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ ش.



دفتر نشر و مکتوب‌های مجلس شورای اسلامی
در آئین روزانه قرآن و حدیث

- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (م ۳۲۹ ق)، الکافی، تهران، دار الکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ ق.
- مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ع)، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
- مصطفوی، سید حسن، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ ش.
- مفید، محمد بن محمد، الأمالی (للمفید)، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش.
- حاجی صادقی، عبدالله، مفهوم شناسی و حقیقت یابی حیات طیبیه از منظر قرآن، انسان پژوهی دینی، تابستان و پاییز ۱۳۹۳ ش، دوره ۱۱.
- طباطبایی، ریحانه، حیات طیبیه حیاتی اخلاقی در راستای مظهریت صفات الهی، معرفت، سال بیست و دوم، شماره ۱۸۷.
- فرزندی وحی، جمال، رحیمی، معصومه، حیات طیبیه انسان از منظر قرآن کریم، کوثر، سال یازدهم، شماره ۴۱، نیمه دوم زمستان ۱۳۹۰ و نیمه اول بهار ۱۳۹۱.
- مظاهری سیف، حمیدرضا، حیات طیبیه از دیدگاه قرآن، معرفت، شماره ۱۰۹.
- رجب نژاد، محمد رضا، بررسی سبک زندگی اسلامی از منظر حیات طیبیه در قرآن، سبک زندگی اسلامی.
- رستمیان، مرضیه، بررسی واژه طیب در قرآن با توجه به مراحل معنا شناسی واژه، راسخون.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی